

راهبردنگاری قانونی برای کودکان و نوجوانان در سیاست‌گذاری آموزشی

جمال بیگی^۱

چکیده

آموزش و تحصیل حق یا امتیازی است که در دسترس کودکان و نوجوانان قرار می‌گیرد تا نتایج آن در بهبود کلی حقوق آنان مؤثر واقع شود. فقط با آموزش است که کودکان به جهان خارج از فرهنگ فقر دسترسی دارند و از راه فراگیری علوم و مهارت‌ها، ارزش‌های معنوی را می‌یابند و به‌سوی زندگی توأم با خوشبختی هدایت می‌شوند. هدف از مقاله حاضر، شناسایی این حق کودکان و نوجوانان در راهبرد اسناد بین‌المللی و مقررات ایران است. تحقیق حاضر براساس روش توصیفی و تحلیلی و برپایه اسناد و منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است. از جمله حق‌های بنیادین بشری مدنظر سیاست‌گذاران، آموزش و تحصیل کودکان و نوجوانان است تا با بهره‌مندی از این حق، از حیث اجتماعی بازپذیر شوند و با پذیرش تکالیف خود بتوانند در رشد و توسعه جوامع ملی و بین‌المللی، در مقام شهروند مؤثر باشند. حق آموزش و تحصیل کودکان و نوجوانان در کنوانسیون یونسکو بر ضد تبعیض در آموزش و کنفرانس جهانی در حوزه آموزش برای همگان شناسایی شده است، اما در قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، با راهبردهای ناقصی تضمین شده است.

واژگان کلیدی: راهبرد قانونی، کودک، نوجوان، سیاست‌گذاری آموزشی، اسناد بین‌المللی، مقررات ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۸

مقدمه

دولت‌های مردم‌سالار و قانون‌مدار با تبعیت از حقوق اساسی و اولیه مردم، هزینه‌کردن در عرصه آموزش را سرمایه‌گذاری قلمداد می‌کنند و به درونی‌سازی هنجارها و ارزش‌های اجتماعی از راه آموزش می‌پردازند. آموزش فرایندی است که به تعبیر یونسکو، طی آن، چهار نوع یادگیری حاصل می‌شود: یادگیری برای زندگی کردن با یکدیگر، یادگیری برای دانستن، یادگیری برای انجام‌دادن امور

دولت‌های مردم‌سالار و قانون‌مدار با تبعیت از حقوق اساسی و اولیه مردم، هزینه‌کردن در عرصه آموزش را سرمایه‌گذاری قلمداد می‌کنند و به درونی‌سازی هنجارها و ارزش‌های اجتماعی از راه آموزش می‌پردازند. آموزش فرایندی است که به تعبیر یونسکو، طی آن، چهار نوع یادگیری حاصل می‌شود: یادگیری برای زندگی کردن با یکدیگر، یادگیری برای دانستن، یادگیری برای انجام‌دادن امور

۱. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران؛ Jamalbeigi@jiau-maragheh.ac.ir

۲. زیرا قید زمان را با آموزه «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد» از تحصیل علم برمی‌دارد و محدودیت مکانی را با قید «ولو بالصین» مضمحل می‌کند و محدودیت سرچشمه اخذ دانش را با روایت شریف «اطلبوا العلم ولو عند مشرک» از بین می‌برد و قید جنسیت را با تعبیر «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة» از میان برمی‌دارد (مستقیمی، ۱۳۸۰، ص ۵۱-۵۲).

پرداخته‌اند. نیازپور در مقاله‌ای با عنوان «حق زندانیان بر تحصیل در قلمرو سیاست جنایی تقنینی سازمان ملل متحد و ایران»، ضمن شناسایی ابعاد بازپرورانه حق زندانیان بر تحصیل، رویکرد سیاست جنایی سازمان ملل متحد و سیاست جنایی ایران در این حوزه را بررسی کرده است (نیازپور، ۱۳۹۴). سلامتی و همکاران با ارائه تحقیقی با عنوان «تکلیف بر رعایت حق بر آموزش در حقوق اسلامی و مقررات حقوق بشر»، حق آموزش و تعلیم و تربیت را وظیفه اصلی خانواده‌ها و دولت‌های حاکم در هر عصری دانسته‌اند؛ به گونه‌ای که حقوق بین‌الملل بشر به حفظ این حق اولیه بشری به شکل قوانین موضوعه تأکید مضاعف کرده است (سلامتی و همکاران، ۱۳۹۴). اسدی‌نژاد و همکاران در پژوهشی با عنوان «حق آموزش و تربیت کودک در قوانین ایران و اسناد حقوق بشر»، با بررسی حقوق ایران و اسناد حقوق بشر، تأمین امکانات مربوط به نگهداری و تحصیلات اجباری و تربیت کودک را از جمله حقوق کودکان شناسایی کرده‌اند (اسدی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴). رحمت‌اللهی و دانش در پژوهشی با عنوان «حق و آزادی آموزش و پرورش»، معتقدند که حق آموزش از جمله حقوق زیرمجموعه حقوق بشر است و بدین معناست که افراد هر جامعه‌ای حق بهره‌مندی از امکانات آموزشی رایگان را دارند (رحمت‌اللهی و دانش، ۱۳۹۳). انصاری با ارائه تحقیقی با عنوان «حق کودک به آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر» موازین بین‌المللی ناظر بر حق کودک به آموزش و چالش‌های موجود درباره آن را تبیین کرده است (انصاری، ۱۳۹۲). نیاورانی در تحقیقی با عنوان «منزلت حق بر آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، با بررسی اسناد بین‌المللی حقوق بشری، حق بر آموزش را در حکم سازنده زیربنایی فهم و درک انسانی و مجرای تعیین و تحقق دیگر حقوق معنوی از جمله آزادی اندیشه، بیان و مذهب و در زمره حقوق فرهنگی بشر معرفی کرده است (نیاورانی، ۱۳۸۹). اما پژوهش حاضر، با تبیین حق آموزش و تحصیل کودکان و نوجوانان در اسناد بین‌المللی عام و خاص و با اشاره به مقررات داخلی ناظر بر تضمین حق آموزش و تحصیل کودکان و نوجوانان، با نوآوری در هر دو عرصه، سطح و چگونگی توجه به این حق را با یکدیگر مقایسه کرده است. در این مقاله کوشش شده به این پرسش‌های اساسی پاسخ داده شود که اسناد بین‌المللی در چه سطح و به چه شکلی به حق آموزش و تحصیل کودکان و نوجوانان توجه کرده‌اند؟ در راهبردی‌نگاری مقررات داخلی، این حق کودکان و نوجوانان تثبیت و تضمین شده است؟ و اینکه بین اسناد بین‌المللی و راهبردهای قانونی داخلی در این خصوص همسویی دیده می‌شود؟ بر همین اساس، در این نوشتار راهبردهای اسناد بین‌المللی و مقررات ایران معیار دسته‌بندی قرار گرفت تا ضمن شناسایی حق آموزش و تحصیل کودکان و نوجوانان در هر دو عرصه، سطح و چگونگی توجه به آن با یکدیگر مقایسه شود.

به صورت فرایند و با جدیت دنبال شده باشد، آموزش کودکان به نسبت بزرگسالان اهمیت بسزایی دارد (انصاری، ۱۳۹۲، ص ۱۱۷). ضرورت این امر تا جایی است که شکست جامعه در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان در فرایند آموزش و پرورش را می‌توان شکست جزء مهمی از فرایند جامعه‌پذیری اعضای جدید جامعه تلقی کرد.

مسئله بی‌سوادی کودکان و نوجوانان یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه بشری، به ویژه کشورهای جهان سوم است. اهمیت این موضوع از این روست که بی‌سوادی و حتی کم‌سوادی خود ریشه بسیاری از معضلات در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است (دهقان، ۱۳۸۳، ص ۵۵). به همین علت کاهش میزان بی‌سوادی کودکان و نوجوانان یکی از شاخص‌های مهم پیشرفت به‌شمار می‌رود. مسئله آموزش و تحصیل کودکان و نوجوانان با بزهکاری آن‌ها نیز ارتباط تنگاتنگی دارد؛ تا جایی که ویکتور هوگو^۱ می‌نویسد: «یک مدرسه باز کنید تا در یک زندان بسته شود» (به نقل از بیگی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶). کمیته فرانسوی مطالعات پیرامون خشونت و بزهکاری نیز تنظیم و ترتیب تحصیلات اجباری برای کودکان را به منزله یکی از روش‌های پیشگیری از خشونت و بزهکاری توصیه کرده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۶، ص ۷۳-۷۴) از این رو، آموزش از مصادیق بنیادین حق‌های بشری است که قابلیت جرم‌شناسانه نیز دارد و بر همین اساس، توجه سیاست‌گذاران جنایی را جلب کرده است تا بزهکاران از این راه از حیث اجتماعی بازپذیر شوند (نیازپور، ۱۳۹۴، ص ۳۰). بازپذیری اجتماعی بزهکاران رویکردی است که به منظور پذیرش مجدد بزهکار در جامعه، توأم با پذیرفته‌نشدن رفتار مجرمانه وی ترسیم و اجرا می‌شود (افراسیابی، ۱۳۸۹، ص ۳۴). بدین سان در سیاست‌گذاری آموزشی برای کودکان و نوجوانان همانند سایر حوزه‌ها نیازمند راهبرد یا استراتژی هستیم. این راهبردی‌نگاری دربرگیرنده تفکر راهبردی (شکل‌دهی راهبرد و بازنگری‌های آن)، برنامه‌ریزی راهبردی (تخصیص منابع، اقدام‌ها و چارچوب‌های زمانی با توجه به اهداف) و اجرای راهبرد (عملیاتی‌کردن طرح راهبردی) است (مشعلی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۲۹). مراد نگارنده از راهبردی‌نگاری در سیاست‌گذاری آموزشی،^۲ فرایندی است که یک هدف یا مجموعه‌ای از هدف‌های آموزشی را به گام‌های رسیدن به آن هدف تقسیم می‌کند و به آن گام‌ها چنان رسمیت می‌بخشد که بتوانند طبق نتایج یا دستاوردهای پیش‌بینی شده برای هر گام پیاده‌سازی شوند.

در تحقیقات ارائه شده، عمدتاً به جایگاه حقوق کودکان در نظام بین‌المللی و حقوق ایران به‌طورکلی و همچنین از منظر آموزش و تحصیل پژوهشگران در قالب اسناد بین‌المللی حقوق بشری

1. Victor Hugo

2. Educational Policy Making

۱. آموزش و تحصیل کودکان و نوجوانان در سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی

صلح جهانی جز از راه آموزش و رشد و شکوفایی استعداد‌های نهفته بشر میسر نخواهد بود^۱ و بی‌تردید همه جنگ‌ها و وقایع تلخ بشر از جهالت و خودمحوری و نادیده‌انگاشتن حقوق دیگران سرچشمه می‌گیرد و آموزش وسیله کسب دانایی و رهایی بشر از ظلمات جهل و کوته‌بینی است (شاملو، ۱۳۸۸، ص ۷). حق آموزش و تحصیل کودکان و نوجوانان در عرصه بین‌المللی طی معاهدات و اعلامیه‌های ذیل شناسایی شده است:

۱-۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر^۲ نه فقط حق آموزش و تحصیل را برای کودکان و نوجوانان به رسمیت شناخته است، بلکه اجباری کردن آموزش ابتدایی، گسترش تعلیمات فنی و آموزش حرفه‌ای و نیز تحصیلات عالی را پیشنهاد کرده است (مبشری، بی‌تا، ص ۹۷-۱۱۴). به منظور شناسایی حق آموزش و تحصیل، ماده ۲۶ این اعلامیه اشعار داشته است: «هرکس^۳ حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد. آموزش ابتدایی اجباری است...» (Universal Declaration of Human Rights, 1948, Art. 26). این ماده با تأکید بر حق آموزش و پرورش برای تمامی انسان‌ها، اعلام می‌کند که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای هم باید در دسترس عموم قرار گیرد. البته رایگان و اجباری بودن آموزش از این حیث که خود اولیا و حتی دولت نیز ممکن است توانایی پرداخت هزینه‌های آموزشی را نداشته باشند، کمی غیرواقع‌بینانه به نظر می‌رسد.

مطابق این اعلامیه، شناسایی حق آموزش و تحصیل کودکان و نوجوانان در قالب‌های «همگانی» و «رایگان» پیش‌بینی شده است و «هیچ‌یک از حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر به اندازه همین ماده حائز اهمیت نیست؛ زیرا در مقایسه با حقوق دیگر مندرج در این اعلامیه، از همه بیشتر مورد قبول عامه است و حقی است که دولت‌ها در نهایت عجله و شتاب به ملاحظه ترقی و رفاه ملی تضمین می‌کنند و حقی است که افراد بیش‌تر برای تأمین بهبود و رفاه خود آن را مطالبه می‌کنند» (متین دفتری، ۱۳۴۸، ص ۲۲۵-۲۲۶).

در کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر (International Conference on Human Rights, 1968) نیز به موضوع حق آموزش و

تحصیل کودکان و نوجوانان اشاره شده است (متین دفتری، ۱۳۴۸، ص ۳۷۱-۳۷۳) بدین بیان که در ماده ۱۴ آن آمده است: «وجود بیش از هفتصد میلیون نفر بی‌سواد در سراسر جهان مانعی بزرگ است در راه کوشش برای تحقق‌بخشیدن به هدف‌ها و منویات منشور ملل متحد و مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر، اقدام بین‌المللی به منظور امحاء بی‌سوادی در پهنه گیتی و ترویج آموزش در همه سطح‌ها باید موردتوجه فوری واقع شود» (International Conference on Human Rights, 1968, Art. 14).

۱-۲. اعلامیه جهانی حقوق کودک

برابر اصل هفتم اعلامیه جهانی حقوق کودک^۴ ۱۹۵۹: «کودک باید از آموزش رایگان و اجباری، حداقل در مدارج ابتدایی بهره‌مند گردد. کودک باید از آموزشی بهره‌مند شود که در جهت پیشبرد و ازدیاد فرهنگ عمومی او بوده و چنان سازنده باشد که در شرایط مساوی بتواند استعداد، قضاوت فردی، درک مسئولیت اجتماعی و اخلاقی خود را پرورش داده و فردی مفید برای جامعه شود. در امر آموزش و رهبری کودک مصالح کودک باید راهنمای مسئولان امر باشد. چنین مسئولیتی در درجه اول به عهده والدین هست... جامعه و مقام‌های عمومی باید کوشش نمایند تا امکان استفاده از این حقوق را رایج سازند» (Declaration of the Rights of the Child, 1959, Art. 7).

حق آموزش و تحصیل در قالب‌های «اجباری» و «رایگان» در این اصل ویژه کودکان منظور شده است، اما رایگان و اجباری بودن آموزش آن‌ها کمی غیرواقع‌بینانه لحاظ شده است؛ زیرا ممکن است خود اولیا و حتی دولت نیز توانایی پرداخت هزینه‌های آموزشی را نداشته باشند. پیشبرد و ازدیاد فرهنگ عمومی مذکور در این اصل از جملات تفسیرشدنی است؛ زیرا مشخص نیست اولاً «فرهنگ»^۵ یعنی چه؟ چراکه زیرا مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هرچه فرد از جامعه خویش فرامی‌گیرد، ذیل عنوان کلی فرهنگ می‌گنجد که از راه آموزش، به نسل بعدی منتقل می‌شود؛ ثانیاً برای فرهنگ عمومی چه معیارهایی لازم است؟ هرچند فرهنگ عمومی از سه معیار اصلی ارزش‌ها، عقاید، باورها و هنجارها تشکیل یافته است، اما بسته به انواع جوامع از نظر تاریخی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی این معیارها متفاوت بوده است. مدارج ابتدایی مذکور در این اصل نیز از حیث اینکه در هر کشوری متفاوت است به نظر ایراد دارد؛ زیرا بعضی کشورها سواد خواندن و نوشتن را مدارج ابتدایی و برخی دیگر تا دوره دبیرستان در نظر می‌گیرند. نکته آخر اینکه مفهوم جامعه مبهم است و منظور از آن به‌صراحت مشخص نشده است (باهر، ۱۳۷۶، ص ۲۸).

۱. بر تأمین حقوق بشر و آزادی‌های اساسی آحاد بشر بدون هیچ‌گونه تبعیض، علاوه بر مقدمه، در بند ۳ ماده ۱، بند ۳ ماده ۳۱ و بند ۵ ماده ۵۵ منشور سازمان ملل تأکید شده است.

2. Universal Declaration of Human Rights (UDHR) 1948

۳. اطلاق و عموم واژه «هرکس» مذکور در این ماده، شامل کودکان نیز می‌شود و شاید بارزترین مصداق این واژه در خصوص آموزش و تحصیل با توجه به طیف سنی، کودکان و نوجوانان باشد. همچنان‌که عبارات «تعلیمات ابتدایی و آموزش ابتدایی» مذکور در این ماده نیز مؤید این مطلب است.

4. Declaration of the Rights of the Child

5. Culture

سیاسی، تابعیت اصلی و شرایط اقتصادی در تمام مناطق و استان‌های تحت حاکمیت کانادا به صورت یکسان اعلام می‌شود (Promoting Equality of Educational Opportunity, Canada Report for the UNESCO, 2012).

۴-۱. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

در ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۳ ۱۹۶۶، از حق بهره‌مندی هرکس از آموزش و پرورش با تأکید بیشتری سخن به میان آمده و فراهم‌ساختن وسایل آموزش را برای همه افراد، یکی از الزامات کشورها شناخته است. به موجب این ماده، کشورهای طرف این میثاق حق هرکس^۴ را به آموزش و پرورش به رسمیت شناخته است و به منظور استیفای این حق، آموزش و پرورش ابتدایی باید اجباری باشد و رایگان در دسترس عموم قرار گیرد. آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای متوسطه باید تعمیم یابد و با معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی در دسترس عموم قرار گیرد. آموزش و پرورش پایه باید تا حد امکان برای کسانی که فاقد آموزش و پرورش ابتدایی اند یا آن را تکمیل نکرده‌اند تشدید شود (International Covenant on Economic, 1966, Art. 13). اهمیتی که این میثاق برای حق آموزش و تحصیل قائل شده ناشی از واقعیت‌های ذیل است:

۱. هرکس برای آنکه از زندگی بهتری بهره‌مند شود باید سطح آگاهی خود را بالا برد و این مقصود عموماً جز با کسب دانش، دست‌کم در حد معلومات اساسی میسر نمی‌شود؛
 ۲. با توجه به معیارهای عینی و ذهنی دربارهٔ حیثیت انسانی، امروزه جامعه جهانی سواد را جزئی جداناپذیر از شخصیت هر فرد می‌شناسد؛
 ۳. هر جامعه وظیفه دارد تا آنجا که ممکن است تساوی فرصت فراگرفتن دانش و مهارت‌های علمی را از هر جهت برای افراد خود فراهم سازد (توسلی، ۱۳۵۱، ص ۳۳-۳۴).
- تمایل به آموزش نهضتی جهانی است که حدود مرز نمی‌شناسد. شعار «آموزش برای همه» نخستین و مهم‌ترین هدف سیاست تعلیماتی هر کشور است. حق آموزش برای عموم مردم - صرف نظر از جنس، رنگ، نژاد و مذهب - باید به رسمیت شناخته شود. بدیهی است این حق برای افرادی است که هم تمایل به آموزش دیدن دارند و هم استعداد آن را و همچنین هدایت‌انگیزه‌ها و علاقه آنان به نیازمندی‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه است. وجه دیگر آن این است که طبقات متوسط و پایین جامعه نباید از پیشرفت افراد باهوشی که در این طبقات اند محروم شوند.

۳-۱. کنوانسیون یونسکو بر ضد تبعیض در آموزش

برابر ماده ۱ کنوانسیون یونسکو بر ضد تبعیض در آموزش^۱ ۱۹۶۰، تبعیض^۲ در تمامی سطوح و شکل‌های آن در حوزه آموزش منع شده است. مطابق ماده ۴ این کنوانسیون، دول عضو می‌کوشند سیاستی ملی را تنظیم، اجرا و تطبیق کنند که با تکیه بر روش متناسب با وضعیت‌های گوناگون و قابل استفاده در سطح ملی، منجر به ارتقای برابری فرصت‌ها و طرز برخوردها در حوزه آموزش و به‌ویژه موارد ذیل شود:

۱. رایگان و اجباری کردن آموزش در سطح ابتدایی؛
۲. تأمین همگانی آموزش متوسطه در اشکال گوناگون آن؛
۳. تضمین عمل همگان به وظیفه قانونی خود مبنی بر حضور در مدرسه؛
۴. تضمین کیفیت و معیارهای آموزشی هم‌سطح، یکسان و برابر در تمامی مؤسسات آموزشی دولتی؛
۵. ترغیب و ترویج آموزش اشخاص محروم از آموزش ابتدایی و تداوم تحصیلات آن‌ها براساس ظرفیت فردی و با تکیه بر روش‌های مناسب (Convention against Discrimination in Education 1960, Art. 4).

همواره به رفع تبعیض و عدالت آموزشی به منظور توسعه آموزش و پرورش اهمیت داشته و به آن توجه شده است. آخرین رده‌بندی جهانی سیستم آموزشی برتر سال ۲۰۱۴، براساس معیارهای گوناگون آموزشی و از جمله عدالت، ۴۰ کشور شاخص جهان را نشان می‌دهد که متأسفانه ایران در بین آن‌ها قرار ندارد و ده کشور برتر به ترتیب عبارت‌اند از: کره جنوبی، ژاپن، سنگاپور، هنگ‌کنگ، فنلاند، انگلیس، کانادا، هلند، ایرلند و لهستان (Lepi, 2014). در جدیدترین گزارش آموزش جهانی ۲۰۱۷، برترین نظام‌های آموزشی جهان در کشورهای فنلاند، ژاپن، کره جنوبی، دانمارک و روسیه مشاهده شده است. برپایه گزارش توسعه جهانی ۲۰۱۸ هم، به‌رغم دستاوردهای بسیار کشورها در حوزه آموزش، ارزیابی‌های کیفی دانش‌آموزان نشان می‌دهد اغلب آنان مدرسه را بدون مهارت‌های ضروری برای زندگی و کار و حتی بدون زیربنایی‌ترین مهارت‌های خواندن و محاسبه ترک می‌کنند (<http://www.ion.ir/news>). در گزارش دولت کانادا به یونسکو دربارهٔ عدالت آموزشی و افزایش فرصت‌های برابر آموزشی مربوط به سال ۲۰۱۲ آمده است که در همه مدارس باید آموزش رایگان باشد و خانواده‌ها نباید برای مدارس فرزندان وجهی بپردازند. امکانات آموزشی بدون توجه به نژاد، زبان، رنگ، مذهب، وابستگی

1. Convention against Discrimination in Education

۲. تبعیض به هرگونه فرق‌گذاری، محرومیت، محدودیت یا ترجیح براساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، اصالت ملی یا اجتماعی، شرایط اقتصادی یا تولد اطلاق می‌شود که هدف یا پیامد آن، لغو یا تضعیف برخورد برابر در آموزش باشد.

3. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

۴. در اینجا نیز از عموم و اطلاق واژه هرکس، شناسایی حق آموزش و تحصیل کودکان و نوجوانان مستفاد می‌شود.

۵-۱. کنوانسیون حقوق کودک

در نظام بین‌المللی حقوق بشر، تا پیش از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون حقوق کودک^۱، گفتمان حقوق حمایتی حاکم بود و کودکان همواره افرادی بودند که والدین یا سرپرستان قانونی آن‌ها یا دولت صلاح و غبطه آن‌ها را رعایت می‌کردند؛ بنابراین تصمیم‌گیری درباره مسائل تربیتی او در صلاحیت والدین، به‌ویژه پدر او شناخته می‌شد؛ اما کنوانسیون حقوق کودک (بند ۱ ماده ۸۲)، کودک را دارنده فعال حق آموزش می‌شناسد و نقش والدین و دولت را نه در مقام دارنده حق، بلکه به‌مثابه ابزاری برای تحقق این حق تعریف کرده است (Zermatten, 2010: 2). اگرچه این کنوانسیون، کودکان را در مقام ذی‌نفعان حق آموزش قرار داده است، اما حقوق و وظایف والدین آن‌ها در قبال آموزش کودک را کاملاً کنار نگذاشته است (Verheyde, 2006: 57-58).

ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ به‌منظور شناسایی حق آموزش و تحصیل کودکان و نوجوانان (به‌ویژه) تدوین شده است؛ زیرا در این ماده، آموزش و پرورش از حقوق بدیهی کودکان و حتی به‌منزله تکلیف برای اولیای کودکان لحاظ شده است و از آن با عنوان آموزش رایگان و اجباری در مقطع ابتدایی نام برده شده است. فراهم کردن زمینه‌های آموزش و پرورش از طرفی و توسعه انواع آموزش و پرورش‌های عمومی و حرفه‌ای از طرف دیگر، از سایر وجوهی است که به آن توجه شده است. دادن راهنمایی‌های لازم و قراردادن اطلاعات آموزشی و حرفه‌ای در اختیار کودکان و نوجوانان نیز از نکات عمده‌ای است که نه فقط در سطح محلی، بلکه در سطوح ملی و بین‌المللی باید اجرا شود. به عبارت دیگر، در ماده ۲۸ و همچنین در ماده ۲۹ این کنوانسیون، از کشورها خواسته شده است که تحصیلات اجباری و رایگانی را برای کودکان فراهم آورند که هدف از آن شکوفاتر کردن استعداد هر کودکی به کامل‌ترین نحو باشد. دسترسی داشتن به مدرسه و آموزشی در کیفیت بالا از لوازم حیاتی تحقق این هدف به‌شمار می‌روند. برپایه نگرش این کنوانسیون، با حق استفاده از آموزش می‌توان پایه‌های بهره‌مندی از دموکراسی را برای شهروندان تقویت کرد. از این رو، کنوانسیون در حکم راهنمای آموزش و پرورش است که هم برای رشد و تعالی کودکان و نوجوانان ضروری است و هم برای پیشرفت اجتماعی (Convention on the Rights of the Child 1989, Art. 28-29).

در نهایت خطوط روشن هر طرح انقلاب آموزشی را می‌توان در چارچوب این کنوانسیون تشخیص داد. این انقلاب آموزشی پنج رکن اصلی دارد که درهم تنیده، یکدیگر را تقویت می‌کنند:

رکن اول: یادگیری برای زندگی؛

رکن دوم: قابلیت دسترسی، کیفیت و انعطاف‌پذیری؛

رکن سوم: حساس بودن به جنسیت و آموزش دختران؛

رکن چهارم: دولت در حکم یاور اصلی؛

رکن پنجم: توجه به خردسالان و کودکان.

نکته مهم‌تر این است که در بحران‌ها و مواقع اضطراری، کودکان باید در اولویت قرار گیرند و حمایت از حقوق آنان به لحاظ امنیت جسمی و روحی، تعلیم و تربیت مناسب و تغذیه و بهداشت اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته باشد. بر همین مبنا، کنوانسیون موصوف بر این حقوق از جمله حق حمایت از آموزش و تحصیل تأکید کرده است (توسلی نایینی، ۱۳۸۲، ص ۳۷).

۶-۱. اعلامیه جهانی آموزش برای همه

اعلامیه جهانی آموزش برای همه^۲ ۱۹۹۰ را پنج سازمان بین‌المللی یونسکو، یونیسف، صندوق جمعیت سازمان ملل، بانک جهانی و برنامه عمران ملل متحد در جامتین^۳ تایلند پذیرفته‌اند (مگنوسون و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۲۲). این اعلامیه با شناسایی حق آموزش و تحصیل برای همه کودکان و نوجوانان به این قرار است:

۱. بهره‌مندی هر فرد اعم از کودک، جوان و بزرگسال از فرصت‌های آموزشی با هدف برآورده کردن نیازهای آموزشی اساسی آن‌ها؛

۲. فراهم کردن تعلیمات اساسی برای همه کودکان، جوانان و بزرگسالان؛

۳. تأمین آموزش اساسی کودکان به همت مدارس ابتدایی؛

۴. تکلیف مقام‌های آموزشی ملی، منطقه‌ای و محلی به تأمین آموزش اساسی برای همگان؛

۵. برآورده کردن نیازهای آموزشی اساسی همگان؛

۶. مسئولیت انسانی همگانی و مشترک در برآورده کردن نیازهای آموزشی (World Declaration of Education for All, 1990).

براساس راهنمای اعلامیه فوق، اولین سطح، مدرسه است که سازمان‌دهی فرایند یاددهی-یادگیری و مشارکت والدین و اجتماع را برعهده دارد. دومین سطح، منطقه، شهرستان و استان است که امور پشتیبانی مدرسه، مانند تربیت معلم، تولید موضوع‌ها و مواد درسی، مدیریت نیروی انسانی و پوشش تحصیلی دانش‌آموزان، تخصیص و بهره‌وری منابع را به عهده دارد. سومین سطح، سطح ملی و مرکزی است که پشتیبانی سطوح قبلی، تصمیم‌گیری‌های کلان در تدوین معیارها و یکپارچه‌سازی برنامه‌های سطوح قبل را عهده‌دار است. (Haddad; Colletta; Fisher; Lakin & Rinaldi, 1990)

2. World Declaration of Education for All

3. Jomtien

1. Convention on the Rights of the Child

۷-۱. اعلامیه حقوق بشر اسلامی

در اعلامیه حقوق بشر اسلامی^۱ ۱۹۹۰، اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر پس از مطابقت آن‌ها با اسلام ذکر و همانند آن، به صورت کلی، بر لزوم تعلیم و تربیت و اهمیت آن تأکید شده است. به موجب ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر اسلامی: «طلب علم یک فریضه است و آموزش یک امر واجب است بر جامعه و دولت و بر دولت لازم است که راه‌ها و وسایل آن را فراهم نموده و متنوع بودن آن را به گونه‌ای که مصلحت جامعه را برآورد تأمین نماید و به انسان فرصت دهد که نسبت به دین اسلام و حقایق هستی معرفت حاصل کند و آن را برای خیر بشریت به کار گیرد» (Cairo Declaration on Human Rights in Islam 1990, Art. 9). گفتنی است از حیث اهداف آموزش و پرورش این دو اعلامیه متفاوت‌اند. بدین صورت که «در ماده ۹ فوق تأکید بر دینی بودن تعلیم و تربیت شده است، حال آنکه تربیت دینی را بند ۲ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، جزئی از اهداف آموزش و پرورش نمی‌داند، ولی اهداف مذکور در این بند نیز نه تنها تعارضی با تربیت دینی نداشته، بلکه جزئی از آن را تشکیل می‌دهد» (پروین، ۱۳۷۷: ۱۱).

۸-۱. کنفرانس جهانی در زمینه آموزش برای همگان

یکی از اهداف کنفرانس جهانی در زمینه آموزش برای همگان^۲ که در جوتمین تایلند با شرکت مسئولان و صاحب‌نظران امر تعلیم و تربیت ۱۵۵ کشور جهان برگزار شد، جلب حمایت رهبران سیاسی به منظور تأمین آموزش برای همه تا سال ۲۰۰۰ میلادی بود.^۳ کنفرانس ۱۹۹۰ در پی آن بود که درباره آموزش و پرورش به توفیقی دست یابد که «کنفرانس بین‌المللی مربوط به مراقبت‌های اولیه بهداشتی (آلماتا، ۱۹۸۷)»^۴ در موارد بهداشت بداند دست یافته بود. این کنفرانس خواستار آموزش مطلوب همگانی بود و بر فقیرترین شهروندان جهان تأکید خاصی می‌کرد. جوتمین نشانگر ظهور این توافق بین‌المللی بود که آموزش و پرورش یگانه عامل حیاتی در ایمن‌داشتن کودکان از گزند کار مخاطره‌آمیز و استثمارگرانه و بهره‌کشی جنسی و تأثیر نهادن بر رشد جمعیت است.

برای حرکت به پیش، برحسب کیفیت و چند رکن اصلی دیگر، ارزیابی آموزش و پرورش لازم بود. نگاه گسترده جوتمین تأکیدی است بر آموزش پایه، مراقبت از کودک و پرورش او در نخستین سال‌های عمر و یادگیری در سراسر دوره نوجوانی و بزرگسالی.

1. Cairo Declaration on Human Rights in Islam (CDHRI)

2. World Conference on Education for All

۳. در مهرماه ۱۳۷۱، طرحی هم‌جهت با هدف این کنفرانس از طرف یونسف به وزارت آموزش و پرورش ایران ارائه شد و با همکاری معاونت آموزشی به اجرا درآمد. طرح موردنظر تحت عنوان «افزایش دستیابی دختران به آموزش ابتدایی» در سه مرحله پیشنهاد شده بود.

4. International Conference on Primary Health Care, Alma-Ata, USSR, 6-12 September 1978

رکن‌های اصلی نیز بدین‌قراردند: بخشیدن اولویت عمده به آموزش دختران، اذعان به یادگیری از هنگام تولد و اعتراف به این نکته که همکاری‌های تازه میان دولت‌ها و گروه‌ها در همه سطوح برای رسیدن به هدف «آموزش برای همگان» امری است ضروری. با گرفتن سرمشق از چند اصلی که یونسف در اقدام خود در دهه ۱۹۸۰ موجب انقلابی در مسئله بقای کودکان شده بود، کنفرانس جوتمین شش هدف اصلی ذیل را مقرر کرد:

۱. گسترش مراقبت از کودک و پرورش او در نخستین سال‌های عمر به خصوص در مورد مستمندان؛

۲. دسترسی همگانی به آموزش ابتدایی و اتمام دوره آن تا سال ۲۰۰۰؛

۳. اصلاح شرایط یادگیری براساس درصد موردتوافق برای یک گروه سنی (مثلاً ۸۰ درصد چهارده‌سالگان) و رسیدن به یک سطح معین؛

۴. تقلیل میزان بی‌سوادی بزرگسالان به نصف سطح سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۰ با تأکید خاص به سوآدموزی به دختران و زنان؛

۵. گسترش آموزش پایه و ترتیب‌دادن دوره‌های کارورزی برای جوانان و بزرگسالان؛

۶. اشاعه هرچه بهتر دانش، مهارت‌ها و ارزش‌های لازم برای زندگی بهتر و توسعه پایدار» (World Conference on Education for All 1990).

جوتمین کمک کرد که پس از دهه تباه‌شده ۱۹۸۰، که بدهی‌ها و تعدیل‌های ساختاری موجب وقفه در پیشرفت آموزش و پرورش شده بود، از نو در مرکز دستور کار توسعه بین‌المللی قرار گیرد. برای مثال مفاد نوشته‌های این کنفرانس، دستور جلسه سال ۱۹۹۵ «سران جهان برای توسعه اجتماعی»^۵ را تشکیل داد و در نشریه گزارش پیشرفت‌های انسانی سال ۱۹۹۴ منعکس شد. مضمون آن نوشته‌ها را همچنین در هدف‌های «کمیتة کمک به توسعه»^۶ نیز می‌توان یافت. هدف‌های این کمیته عبارت‌اند از:

- به‌نصف‌رساندن میزان فقر؛
- کاستن ۲/۳ از میزان مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج‌سال؛
- تأمین دسترسی همگان به تعلیمات ابتدایی تا سال ۲۰۱۵ (Development Assistance Committee, 2011).

این موارد درحال حاضر بخشی از اهداف توسعه پایدار و مجموعه‌ای جدید از اهداف بین‌المللی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ است که کشورهای عضو پذیرفته‌اند و در آن خواستار دسترسی همگان به آموزش باکیفیت و یادگیری مادام‌العمر برای همه تا سال ۲۰۳۰ شده‌اند (نیک‌اندیش، ۱۳۹۸). در هفتادمین اجلاس

5. World Summit for Social Development, Copenhagen 1995

6. Development Assistance Committee (DAC)

خواستار اقدامات مختلفی برای رفاه کودکان و نوجوانان و همکاری بسیج‌شده بین‌المللی بین حکومت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و رسانه‌ها و جامعه مدنی در این زمینه است. در سطح ملی از همه کشورهای مصرانه خواسته شده که به بازمبانی بودجه خودشان جهت حصول اطمینان از اینکه برنامه‌های حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان از اولویت در تخصیص منابع برخوردار باشند بپردازند» (بی‌نا، ۱۳۷۹: ۴۳).

با توجه به موفقیت‌های به‌دست‌آمده و وعده‌های عمل‌نشده برای کودکان طی اجلاس جهانی سران برای کودکان ۱۹۹۰، یونیسف ابتکار جدیدی را در اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۹ به نام «مشارکت جهانی برای کودکان و نوجوانان» آغاز کرد که اقدامی اندیشیده برای تغییر چشم‌انداز میلیون‌ها کودک و نوجوانی است که وضعیت کنونی‌شان ناامیدکننده است. نلسون ماندلا^۶ و همسر ایشان گراسیاماشل^۷ رهبری این اقدام را برعهده گرفته بودند. این اجلاس، که در مجمع عمومی سازمان ملل در ماه سپتامبر ۲۰۰۱ تشکیل شد، به‌منظور مشارکت در نهضت جهانی برای کودکان، از دولت‌ها و جامعه مدنی، رسانه‌های گروهی، بخش خصوصی، کودکان و جوانان دعوت کرد که به گردآوری نیرو و منابع برای تحقق حقوق کودکان در هزاره جدید بپردازند.

البته برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده لازم است توانایی خانواده‌ها و جوامع برای تأمین و حمایت از سلامت جسمی، عاطفی و فکری و رشد کودکان و نوجوانان افزایش یابد. همچنین باید دسترسی به خدمات اجتماعی پایه و باکیفیت برای هر کودک و نوجوانی تضمین شود و ضروری است که چارچوبی حقوقی، سیاسی و مالی در سطح ملی تشکیل شود تا تحقق حقوق کودکان را تسهیل کند و توسعه دهد (دیالو، ۱۳۷۹، ص ۴).

۱-۱۰. بیانیه و چارچوب عمل سالامانکا درمورد آموزش نیازمندی‌های خاص

در ۱۹۹۴ بیش از ۳۰۰ نفر از نمایندگان ۹۲ دولت و ۲۵ سازمان بین‌المللی با تدوین این سند بین‌المللی^۸ اعلام کردند:

۱. هر کودکی از حق بنیادین آموزش بهره‌مند است و باید از فرصت دستیابی و حفظ میزان قابل قبولی از آموزش استفاده کند؛

۲. هر کودکی خصایص، علایق، توانایی‌ها و نیازهای آموزشی مخصوص به خود را دارد؛

۳. برنامه‌های آموزشی باید با درنظرداشتن کثرت و تنوع این خصایص و نیازها طراحی و تطبیق شوند؛

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۰۱۵، کشورهای عضو، متن دستور کار جدید توسعه جهانی را با عنوان «تحول دنیای ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» به تصویب رساندند.

هدف چهارم این سند، که هفده هدف توسعه پایدار (SDG)^۱ را به‌منزله اولویت‌های توسعه تا ۲۰۳۰ تعیین کرده، درمورد آموزش است. این اهداف متعاقب اهداف «توسعه هزاره» و «آموزش برای همه» مطرح‌شده‌اند که مهلت اجرایی آن‌ها در سال ۲۰۱۵ به پایان رسیده است. این گزارش حاکی از آن است که آموزش قادر نخواهد بود با تمامی بالقوه‌های خود به پیشرفت جهانی کمک کند، مگر اینکه نرخ حضور در مدارس در کشورهای گوناگون به‌نحو چشمگیری افزایش یابد، یادگیری به امری مادام‌العمر بدل شود و نظام‌های آموزشی مفهوم توسعه پایدار را به‌طور همه‌جانبه در خود ادغام کنند (بناوت و همکاران، ۲۰۱۶، ص ۸).

۱-۹. اعلامیه بقاء، رشد و حمایت از کودکان

در ۱۹۹۰ اجلاس جهانی سران برای کودکان در نیویورک، معیارهایی که کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ تعیین کرده را مجدد تأیید کرد و اعلامیه بقاء، رشد و حمایت از کودکان^۲ و برنامه اجرایی آن را در ۲۶ هدف بهداشتی و توسعه در زمینه‌های سلامت کودک، تغذیه سلامت و آموزش زنان، آب و بهداشت، آموزش اولیه و کودکان در شرایط دشوار تا سال ۲۰۰۰ را پذیرفت.^۳ به‌منظور دستیابی به اهداف تعیین‌شده تا سال ۲۰۰۰ دولت‌ها هماهنگ با یونیسف و سازمان جهانی بهداشت،^۴ اهدافی را به‌منزله اهداف میان‌دهه (تا سال ۱۹۹۵) تعیین کردند. ازجمله اهداف اصلی مفاد مربوط به بقاء، رشد و حمایت کودکان عبارت‌اند از:

۱. دسترسی همگانی به آموزش اولیه و تکمیل آموزش دبستانی حداقل هفتاد درصد از کودکان واجب‌التعلیم؛^۵

۲. کاهش میزان بی‌سوادی بزرگسالان به نصف سطح آمار سال ۱۹۹۰ همراه با تأکید بر سوادآموزی زنان (World Declaration on the Survival, Protection and Development of Children 1990).

«اجلاس مزبور برنامه اقدام‌های خاصی را تصویب کرد که

1. Sustainable Development Goals (SDG)

2. World Declaration on the Survival, Protection and Development of Children

۳. سند این اعلامیه را ریاست جمهوری اسلامی ایران امضا کرده است و بدین ترتیب ایران مفاد این اعلامیه را پذیرفته است.

4. World Health Organization (WHO)

۵. معاونت آموزشی وقت وزارت آموزش و پرورش در زمینه گزارش کشوری آن وزارت در همایش حقوق کودک ۱۳۷۹ تهران درخصوص تأمین هدف فوق‌ادعا داشته‌اند که در طول دهه گذشته و به‌ویژه سنوات اخیر، حدود ۹۵/۷ درصد از کودکان شش‌ساله برای ثبت‌نام در دوره ابتدایی و حدود ۹۷ درصد از کودکان سنین مدرسه‌رو (کودکان شش تا ده‌ساله) در دوره ابتدایی تحت پوشش قرارگرفته‌اند (فانی، ۱۳۷۹، ص ۱۰).

6. Nelson Mandela

7. Grasyamashl

8. The Salamanca Statement & Framework for Action on Special Needs Education

۱-۱۱. چارچوب عملی داکار: آموزش برای همه

اواخر دهه ۱۹۹۰ شش اجلاس منطقه‌ای به منظور بررسی نتایج ارزیابی ملی کشورهای هر منطقه و تدوین چارچوب عمل‌های منطقه‌ای آموزش برای همه، تشکیل و مبنای تهیه اعلامیه نهایی اجلاس دوم آموزش برای همه در آوریل ۲۰۰۰ در داکار سنگال شد. در اجلاس داکار تدوین‌کنندگان سند فوق اذعان داشته‌اند که همه کودکان، جوانان و بزرگسالان این حق انسانی را دارند که از تعلیم و تربیتی بهره‌مند شوند که بتواند نیازهای آموزشی اساسی آن‌ها را به بهترین نحو برآورده کند و مشتمل بر یادگیری فهمیدن، عمل کردن، زندگی مشترک و بودن باشد.

برابر ماده ۶ «چارچوب عملی داکار: آموزش برای همه»^۲، آموزش حق انسانی بنیادین و کلید صلح و توسعه پایدار و ثبات در درون و بین کشورهاست؛ بنابراین آموزش از لوازم و بایسته‌های مشارکت مؤثر در جوامع و نظام‌های اقتصادی قرن ۲۱ است که تحت تأثیر فرایند سریع جهانی شدن‌اند. تحقق اهداف آموزش برای همه نباید به تعویق بیفتد. نیازهای آموزشی اساسی همه افراد باید درحکم ضرورتی فوری برآورده شود (Dakar Framework for Action, 2000, Art. 6).

مطابق ماده ۷ نیز تدوین‌کنندگان این سند به‌طور جمعی خود را متعهد به برآورده‌ساختن اهداف ذیل کرده‌اند:

۱. گسترش و بهبود مراقبت و آموزش زودهنگام و جامع در دوران طفولیت، به‌ویژه برای کودکان آسیب‌پذیر و محروم؛

۲. تضمین دسترسی تمامی کودکان، به‌خصوص دختران، کودکان دچار شرایط بغرنج و متعلق به اقلیت‌های قومی به تعلیمات ابتدایی رایگان و اجباری و دارای کیفیت مناسب تا ۲۰۱۵؛

۳. رفع تبعیض جنسیتی در آموزش ابتدایی و متوسطه و تحقق برابری جنسیت در حوزه تعلیم و تربیت تا ۲۰۱۵، با تمرکز بر تضمین دسترسی کامل و برابر دختران و موفقیت آن‌ها در آموزش ابتدایی با کیفیت خوب؛

۴. بهبود تمامی جنبه‌های کیفی آموزش و تضمین موفقیت و تعالی همگان (ibid, Art. 7).

در سال ۲۰۰۰ با تقاضای یونسکو برای آموزش این سند در ایران، سندی به نام «آموزش برای همه» تدوین شد که تمرکز آن بیشتر بر گسترش و فراگیری آموزش بود و مسائلی مانند تساوی جنسیتی مربوط به پوشش تحصیلی در آن دیده شده بود. براساس گزارش‌ها و برآوردهای کلی یونسکو در زمان اجرایی این اسناد، یعنی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵، ۳۰ درصد از برنامه «آموزش برای همه» محقق شد و درصدی از کشورها اصلاً این برنامه را اجرا نکردند (لطیفی، ۱۳۹۶)؛ بنابراین برپایه اسناد یونسکو، برابری جنسیتی اولویت

۴. کسانی که نیازمندی‌های آموزشی خاص دارند باید به مدارس عادی دسترسی داشته باشند. این مدارس مکلف‌اند آن‌ها را در دوره‌های آموزشی کودک‌محور، که قادر است نیازهای آن‌ها را برآورده کند، بپذیرند؛

۵. مدارس عادی، که چنین گرایش فراگیری دارند، مؤثرترین ابزار برای مبارزه با نگرش‌های تبعیض‌آلود، تشکیل اجتماعات پذیرا، تشکیل جامعه فراگیر و تحقق آموزش برای همه است. این مدارس به‌نحو مؤثر اکثریت کودکان را آموزش می‌دهد و کارایی و درنهایت هزینه بهره‌وری کل نظام آموزشی را بهبود می‌بخشد (The Salamanca Statement and Framework for Action on Special Needs Education, 1994, Art. 4).

به‌موجب ماده ۳ این بیانیه، از تمامی دولت‌ها خواسته شده است:

۱. نظام‌های آموزشی خود را به‌منزله بالاترین سیاست و اولویت بودجه‌ای مدنظر دهند و آن را بهبود بخشند تا تمامی کودکان را بدون درنظرداشتن تمایزات یا مشکلات فردی بپذیرند؛

۲. به‌منزله حکمی قانونی یا سیاسی، اصل تعلیمات فراگیر را اتخاذ کرده، تمامی کودکان را در مدارس عادی ثبت‌نام کنند؛

۳. مکانیزه‌های غیرمتمرکز و مشارکتی‌ای برای طراحی، نظارت و ارزیابی آموزش کودکان و بزرگسالانی که نیازمندی‌های آموزشی خاص دارند خلق کنند (The Salamanca Statement and Framework for Action on Special Needs Education, 1994, Art. 3).

چارچوب عمل سالامانکا مبتنی بر این اصل اساسی است که مدارس باید تمامی کودکان را بدون درنظرداشتن وضعیت جسمانی، فکری، اجتماعی، عاطفی، زبانی یا سایر شرایط آن‌ها بپذیرا باشند. مطابق این چارچوب، اصطلاح «نیازمندی‌های آموزشی خاص» به کودکان و جوانانی اشاره دارد که نیازهای آن‌ها از ناتوانی‌ها یا مشکلات یادگیری‌شان برمی‌خیزد. مدارس باید برای آموزش موفقیت‌آمیز تمامی کودکان، به شمول آن‌هایی که با محرومیت‌ها و معلولیت‌های جدی مواجه‌اند، شیوه‌های مناسب را جست‌وجو کنند.

به‌موجب ماده ۷ این بیانیه، اصل بنیادین مدارس فراگیر^۱ این است که همه کودکان باید، در هر جایی که ممکن باشد، در کنار یکدیگر و بدون درنظرداشتن مشکلات یا تمایزات آن‌ها آموزش ببینند. این مدارس باید نیازهای متعدد دانش‌آموزان را قبول و تأمین کنند (مگنوسون و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۲۴-۲۵).

۱. برابر تعریف یونسکو، آموزش فراگیر بدین معناست که تمامی مدارس باید برای آموزش تمامی کودکان بدون توجه به وضعیت جسمانی، هوشی، عاطفی، زبانی و سایر ویژگی‌ها متناسب‌سازی شوند و این سازگاری باید کودکان ناتوان ذهنی، کودکان تیزهوش، کودکان خیابانی، کودکان متعلق به مناطق دورافتاده، اقلیت‌های زبانی، فرهنگی یا قومی و کودکان با سایر محرومیت‌ها را شامل شود (نوظهوری، ۱۳۸۸، ص ۷۵).

2. Dakar Framework for Action, Education for All

دانش ناری، ۱۳۹۳، ص ۵۵). بدین ترتیب رایگان بودن آموزش همه راه نیست. باید الزامات حقوقی ضامن دسترسی همه کودکان به آموزش‌های ابتدایی و همگانی باشد که برای زیستن در دنیای امروز ضروری است. بدین ترتیب، جامعه‌پذیری و اعتلای شخصیت و استعداد‌های کودکان و نوجوانان به‌منزله عامل اصلی رشد و شکوفایی آن‌ها در پرتو حق بهره‌مندی از آموزش و پرورش رایگان تلقی شده است و دولت‌های مردم‌سالار آن را به رسمیت شناخته‌اند. معمولاً دولت‌های تابع مدل مردم‌سالار سیاست‌جنایی با نگرش حق‌محور به این مهم خود را ملزم می‌کنند که به‌منظور استیفای این حقوق، آموزش همگانی را برای شهروندان فراهم سازند (دارابی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۸).

قانون فوق به‌منظور حمایت از حقوق کودکان در قالب «همگانی»، «اجباری» و «رایگان» آموزش و تحصیل برای آن‌ها در ۱۳۲۲ تصویب شده است. به‌موجب ماده ۱ این قانون، دولت مکلف می‌شود که از ۱۳۲۲ به مدت ده سال آموزش و پرورش ابتدایی را در سراسر کشور به‌تدریج عمومی و اجباری کند و به‌موجب ماده‌واحد قانون اصلاح قانون آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی ۱۳۵۰، «دوره تعلیمات عمومی اجباری کشور در دو مرحله اجرا می‌شود که مرحله اول آن، دوره پنج‌ساله ابتدایی و مرحله دوم آن، دوره سه‌ساله راهنمایی تحصیلی است». در این قانون، ضمانت اجرایی نیز برای اولیای کودکانی که فرزندان خویش را برای تحصیل به دبستان نفرستاده باشند در ماده ۶ آن پیش‌بینی شده است؛ با این بیان که: «هرگاه ولی طفل در موعد مقرر بدون داشتن عذر موجه، طفل خود را برای تحصیل منظم به دبستان نسپارد علاوه بر اینکه مجبور است غفلت خود را جبران کند، به پرداخت ده ریال جریمه محکوم می‌گردد. وجوه حاصله از این جرائم به مصرف تهیه کتاب و لوازم تحصیل برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت خواهد رسید» (مدیرینا، ۱۳۵۳، ص ۷۸-۷۹).

گفتنی است بعد از انقلاب اسلامی نیز زیر پوشش قراردادنامه همه کودکان لازم‌التعلیم و تقویت نهضت سوادآموزی و تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه، از جمله وظایفی است که برابر ماده ۱۰ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۶، برعهده وزارت آموزش و پرورش گذاشته شده است. البته برابر تبصره ۲ ماده ۴ اساسنامه نهضت سوادآموزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۳، نهضت می‌تواند در مناطقی که هنوز وزارت آموزش و پرورش نتوانسته است حضور داشته باشد اطفالی را که به سن سوادآموزی رسیده‌اند زیر پوشش قرار دهد.

۳-۲. فرمان دولت شرف مبنی بر تأمین وسایل تحصیل رایگان تا پایان دوره اول راهنمایی برای کودکان

متن فرمانی که دولت شرف در ۴ اسفندماه ۱۳۵۲ صادر کرده است و در آن دولت مکلف به اجرای آن شده است بدین شرح

جهانی این سازمان، به‌ویژه در عرصه آموزش، دانسته شده است. یکی از مهم‌ترین اسناد مرجع برای یونسکو در این باره سند توسعه پایدار موسوم به سند ۲۰۳۰ یا SDGs است (<https://en.unesco.org>). بر این اساس، عرصه‌های کار، سیاست و سیاست‌گذاری، فرهنگ، خشونت و تمامی اقدام‌های اجتماعی و سازمانی، اهداف برابری جنسیتی تلقی می‌شوند (Lombardo, 2005: 417).

مرکز آموزش و تربیت برابری جنسیتی در بخش زنان سازمان ملل (UN Women) هم گزارش مبسوطی از زمینه‌های لازم برای توسعه یافتن بر مبنای برابری جنسیتی می‌دهد که بیشتر شامل عرصه‌های اجتماعی است (علاسوند، ۱۳۹۷، ص ۶۴). در عین حال، تأکید می‌کند هدف ما تغییرات و مهارت‌های لازم در گرایش‌ها و رفتار مردان و زنان است. این اسناد تصریح می‌کنند سیدا و سند پکن دو سند کلیدی برای برابری جنسیتی اند (<http://www.unwomen.org>).

۲. آموزش و تحصیل کودکان و نوجوانان در راهبردنگاری مقررات داخلی

با مروری اجمالی بر سیر تحولات سیاست‌گذاری آموزشی در ایران، حق آموزش و تحصیل کودکان و نوجوانان را در راهبردهای قانونی ذیل می‌توان بازشناسی کرد:

۲-۱. متمم قانون اساسی مشروطیت

حق آموزش و تحصیل کودکان و نوجوانان طی اصول ۱۸ و ۱۹ متمم قانون اساسی ۱۲۸۶ به‌صورت کلی بیان شده است. از یک سو طبق اصل ۱۸، تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد اعلام شده است و از سوی دیگر، تأسیس مدارس به مخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری به استناد اصل ۱۹ الزامی اعلام شده است. اصول فوق به‌نوعی بیانگر همگانی و اجباری بودن آموزش و تحصیل برای کودکان و نوجوانان است.

۲-۲. قانون آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی

آموزش اجباری و رایگان یکی از شقوق سه‌گانه حق بر آموزش و پرورش به‌شمار می‌رود. باید توجه داشت که در عموم، بلکه تمام اسناد حقوق بشری «آموزش رایگان و اجباری» به‌صورت توأمان و یک مجموعه ذکر شده‌اند (International Covenant on Economic, 1966, Art. 13. 2 (a)). اجباری بودن به این معنی است که حق آموزش و پرورش ایجاب می‌کند اولیای اطفال الزاماً نوباوگان خود را از سنین معین و برای مدت مشخص به مدرسه بپسارند (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۹۳، ص ۶۶۲). رایگان بودن آموزش و حق اعضای جامعه در بهره‌مندی از امکانات آموزشی هم این تکلیف را برای دولت به همراه دارد که آموزشی مناسب، باکیفیت و رایگان به اعضای جامعه ارائه دهد (رحمت‌اللهی و

تحصیل در مراحل بالاتر از مقطع راهنمایی نیز ماده ۳ قانون فوق اشعار داشته است: «پدر یا مادر یا سرپرست قانونی نوجوان کمتر از ۱۸ سال مکلف است به ثبت‌نام نوجوانی که دوره راهنمایی را طی نموده و طبق ضوابط وزارت آموزش و پرورش برای تحصیلات بالاتر مستعد شناخته می‌شود اقدام نماید و وسایل ادامه تحصیل او را فراهم کند و در صورت عدم تمکن مالی، دولت مکلف است امکانات لازم را برای ادامه تحصیل این قبیل نوجوانان با رعایت ماده ۶ این قانون فراهم نماید. مرجع و ضوابط تشخیص عدم تمکن مالی پدر یا مادر یا سرپرست در آئین‌نامه‌ای که توسط وزارت آموزش و پرورش تهیه و به تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید تعیین می‌شود».

همچنین قانون‌گذار ۱۳۵۳ برای والدینی که از ایفای تعهدات خویش در این خصوص خودداری می‌کنند مجازات تعیین کرده است. با این توضیح که «هریک از پدر، مادر یا سرپرست قانونی کودک و نوجوان کمتر از ۱۸ سال، که قانوناً مسئول پرداخت مخارج زندگی او هست و با داشتن امکانات مالی از تهیه وسایل و موجبات تحصیل کودک یا نوجوان واجد شرایط تحصیل در محلی که موجبات تحصیل دوره ابتدایی و راهنمایی از طرف آموزش و پرورش فراهم شده باشد امتناع کند یا به نحوی از انحاء از تحصیل او جلوگیری نماید، به حکم مراجع قضایی، که خارج از نوبت رسیدگی می‌کنند، به جزای نقدی از ده هزار تا دویست هزار ریال و به انجام تکالیف فوق نسبت به کودک یا نوجوان محکوم خواهد شد...» در اینجا قانون با رسیدگی خارج از نوبت به موارد تخطی، بر ضرورت مسئله تأکید کرده است؛ زیرا منافع عمومی در نتیجه خودداری از فرستادن کودکان به مدرسه دچار مخاطره می‌شود. به علت اهمیت مسئله، قانون‌گذار به این بسنده نمی‌کند و برای تحقق این امر مهم و اجرای احکام دادگاه مواردی را مقرر کرده، در صورت عدم تمکین، تشدید مجازات را در نظر گرفته است. به این بیان که: «... هرگاه پس از ابلاغ حکم، پدر یا مادر یا سرپرست به تکلیف مقرر در حکم دادگاه اقدام ننماید یا پس از اجرای حکم مجدداً کودک یا نوجوان را از تحصیل بازدارد، به حبس جنحه‌ای از ۱ تا ۳ سال و تأمین هزینه معاش و تحصیل کودک یا نوجوان خود محکوم خواهد شد»^۱. بی‌تردید اجرای این قانون ضرورتی انکارناپذیر دارد و علیرغم مشکلاتی که ممکن است در این رهگذر پیش آید، نمی‌توان اجرای آن‌ها را بیش از این به تعویق انداخت.^۲

است: «دولت وسایل تحصیل رایگان کلیه کودکان و دانش‌آموزان مملکت را از کودکان تا آخر دوره راهنمایی تحصیلی فراهم سازد و ضوابط و آئین‌نامه‌های لازم را تهیه کند و به تصویب برساند. بدیهی است به موجب این ضوابط دانش‌آموزی که به طور مکرر مردود شود یا استعداد ادامه تحصیل نداشته باشد نخواهد توانست از این کمک استفاده کند. برای اجرای این امر دولت می‌تواند از طریق خرید مدارس ابتدایی و راهنمایی غیردولتی و یا با پرداخت حق تحصیل دانش‌آموزان طبق برنامه مصوب وزارت آموزش و پرورش به مدارس غیردولتی برابر مقررات خاصی اقدام نماید. وزارت آموزش و پرورش ضمناً باید اقدامات قاطعی برای بالابردن سطح علمی و تحصیلی کلیه مدارس ابتدایی به عمل آورد. برای اینکه از معلومات و اطلاعات بهترین معلمان در تمام مدارس کشور جهت تدریس استفاده شود وزارت آموزش و پرورش مأموریت دارد که در اسرع وقت طرح تدریس از طریق تلویزیون ماهواره‌ای و همچنین نصب تلویزیون و کاست در کلیه مدارس کشور را پیاده کند.»

۲-۴. قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی

قانون فوق که در ۱۳۵۳ به تصویب رسیده است و تا به حال نیز به نظر می‌رسد قدرت لازم الاجرای خود را از دست نداده است، مفصل‌ترین قانون در سطح داخلی است که به تفصیل حقوق آموزشی و تحصیلی کودکان و نوجوانان و لزوم حمایت از این حق آنان را بیان داشته است. ماده ۱ این قانون مقرر می‌دارد: «کلیه اطفال و جوانان ایرانی که واجد شرایط تحصیل می‌باشند باید بدون هیچ‌گونه مانعی به تحصیل پردازند و هیچ‌کس نمی‌تواند آنان را از تحصیل بازدارد جز با مجوز قانونی» و به موجب ماده ۲ این قانون «در هر محل که براساس قانون آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی مصوب ۱۳۲۲ و اصلاحی آن مصوب ۱۳۵۰ موجبات تحصیل مراحل تعلیمات ابتدایی و راهنمایی که اجباری و مجانی است فراهم و اعلام شده باشد، پدر یا مادر یا سرپرست قانونی کودک که وظیفه نگاه‌داری و تربیت کودک برعهده او هست موظف است نسبت به ثبت‌نام و فراهم کردن موجبات تحصیل کودک تحت سرپرستی خود اقدام کند و در صورتی که از انجام این وظیفه خودداری نماید وزارت آموزش و پرورش نسبت به ثبت اسامی کودکان مندرج در آمار ارسالی اداره کل ثبت احوال موضوع تبصره ماده ۵ قانون آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی و همچنین نسبت به ثبت‌نام کودک واجد شرایط تحصیل در مراحل اول و دوم موضوع ماده ۲ قانون اصلاح قانون مذکور اقدام خواهد نمود.»

این قانون به دقت مشخص کرده است که چه افراد و سازمان‌هایی باید امر تعلیمات اجباری کودکان و نوجوانان را پیگیری کنند و وظایف قانونی هر یک تعیین شده است. در خصوص حق آموزش و

۱. این محکومیت جزایی ممکن است مطابق ماده ۱۶ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹، محرومیت از حق قیمومیت یا نظارت یا اعمال حق ولایت را نیز در پی داشته باشد. شایان ذکر است هر چند ماده فوق تا زمان تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (که قانون اقدامات تأمینی برابر ماده ۷۲۸ نسخ صریح گردید) از اعتبار قانونی برخوردار بوده، ولی بدان عمل نشده و در آرای مراجع قضایی تا جایی که تحقیق و جست‌وجو شده، حکمی در این خصوص مشاهده نشده است تا رویه قضایی بتواند پاسخ‌گوی معضلات و مشکلات ناشی از اجرای این قانون باشد (بیگی، ۱۳۸۸، ص ۳۳۹).

۲. اجرای این قانون مشکلاتی از قبیل افزایش حجم کار دادگاه‌ها و بار مالی ناشی از

۲-۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

تحصیل و آموزش حق مسلم کودکان و نوجوانان است و دولت مکلف است وسایل آموزش و پرورش رایگان آن‌ها را، که سرمایه‌های حقیقی این کشورند، فراهم کند. علاوه بر بند ۳ اصل سوم، اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ در این خصوص مقرر می‌دارد: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد» (اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵)؛ بنابراین از طرفی دولت مکلف است تا پایان دوره متوسطه وسایل آموزش و پرورش رایگان را، حتی در اقصی نقاط کشور و حتی برای کودکان و نوجوانان استثنایی فراهم کند و از طرفی اولیای کودکان و نوجوانان نیز باید با استفاده از امکانات، کودکان و نوجوانان خویش را به تحصیل علم و دانش بگمارند. بدین ترتیب در حال حاضر طی اصل فوق و همچنین بند ۳ اصل ۳ دایره حق آموزش و تحصیل کودکان و نوجوانان در قالب «رایگان» تا پایان دوره متوسطه افزایش یافته است.

۲-۶. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان

قانون‌گذار ۱۳۸۱ به‌موجب ماده ۱ این قانون، برخلاف قوانین قبلی و به‌منظور هم‌سویی بیشتر با کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، دایره شمول شناسایی این حق را بدون ضابطه جنسیتی، علاوه بر کودکان به همه اشخاص تا هجده سالگی تمام هجری شمسی افزایش داده است. مطابق ماده ۴ قانون یادشده: «هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده‌گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به ۳ ماه و ۱ روز تا ۶ ماه حبس و یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد». بدین ترتیب در صورتی که والدین مانع از تحصیل کودکان خود شوند، چون این ترک فعل موجب بروز صدمه‌های جبران‌ناپذیری در وضع پرورش صحیح کودک می‌شود، این اقدام جرم بوده، مرتکب حتی بدون نیاز به شکایت خصوصی برابر ماده ۵ تحت تعقیب قرار می‌گیرد؛ بنابراین جرم‌انگاری اعمالی نظیر هرگونه صدمه، اذیت، آزار، شکنجه جسمی و روحی کودکان، نادیده‌گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی کودکان، ممانعت از تحصیل آن‌ها، هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به‌کارگیری کودکان به‌منظور ارتکاب اعمال خلاف، از نوآوری‌های قانون یادشده به‌شمار می‌آید (زینالی، ۱۳۸۲، ص ۵۹).

۲-۷. منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران

به‌موجب ماده ۱۰۴ این منشور، که با امضای رئیس دولت یازدهم در ۲۹ آذر ۱۳۹۵ منتشر شده است، شهروندان از حق آموزش برخوردارند. آموزش ابتدایی اجباری و رایگان است. دولت زمینه دسترسی به آموزش رایگان تا پایان دوره متوسطه را فراهم می‌سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد نیاز و ضرورت کشور به شکل رایگان گسترش می‌دهد. دولت آموزش پایه را برای افراد فاقد آموزش ابتدایی فراهم می‌آورد. گفتنی است مواد متعدد این منشور باید در هماهنگی و سازگاری با یکدیگر و در چارچوب نظام حقوقی موجود تفسیر و اجرا شود و نباید موجب کاهش حقوق شهروندان ایرانی و حقوق اتباع سایر کشورها، که در قوانین یا تعهدات بین‌المللی کشور شناسایی شده است، شود.

۲-۸. برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

در بندج ماده ۱۴۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ اشاره شده است: «برای ایاب و ذهاب دانش‌آموزان دختر و پسر در روستاهای فاقد مدارس راهنمایی و متوسط به روستاهای دارای مدرسه، در صورت به‌صرفه بودن رفت‌وآمد نسبت به تحصیل در مدارس شبانه‌روزی هزینه ایاب و ذهاب منظور خواهد شد». همچنین در ماده ۱۵۱ قانون برنامه سوم توسعه، به‌منظور هماهنگی امر سیاست‌گذاری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، اعم از رسمی و غیررسمی، ستاد هماهنگی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور و عضویت وزرای آموزش و پرورش، کار و امور اجتماعی، علوم و تحقیقات و فناوری، درمان و آموزش پزشکی، کشاورزی، جهادسازندگی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و رئیس مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری تشکیل می‌شود. به‌موجب ماده ۵۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ دولت موظف شده است به‌منظور تضمین دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی، به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته و توسعه زمینه‌های لازم برای اجرای برنامه آموزش برای همه، اقدام‌های ذیل را، که جنبه قانون‌گذاری ندارد، اجرا کند: اجباری کردن آموزش تا پایان دوره راهنمایی، به تناسب تأمین امکانات و به تدریج در مناطقی که آموزش و پرورش اعلام می‌کند؛ به‌طوری‌که در پایان برنامه چهارم این امر محقق شود.

با هدف تحقق بند ۸، سیاست‌های کلی ابلاغی و به‌منظور ارتقای کیفی سه حوزه دانش، مهارت و تربیت اسلامی، برابر ماده ۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹، به دولت اجازه داده می‌شود برنامه تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش کشور

اظهار عجز برخی از والدین در تأمین هزینه تحصیل کودکان را با خود خواهد داشت، ولی خطرها و مشکلات ناشی از اجرانشدن آن‌ها در درازمدت به‌حدی است که جای هیچ درنگی باقی نمی‌گذارد.

راهبردی فرایند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی برعهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است و شورای عالی آموزش و پرورش با استفاده از همه ظرفیت وزارت آموزش و پرورش و سایر نهادها و امکانات کشور، مسئولیت بررسی، تصویب و ابلاغ سیاست‌های اجرایی، طراحی سازوکار تحقق اهداف، اصلاح ساختارها و فرایندهای مربوط، به‌روآوری و ترمیم و نظارت بر حسن اجرای برنامه‌های تحول راهبردی را برعهده دارد. گسترش و تأمین همه‌جانبه عدالت آموزشی و تربیتی (هدف سوم کلان)؛ توسعه و نهادینه کردن عدالت آموزشی و تربیتی در مناطق گوناگون کشور و تقویت آموزش و پرورش مناطق مرزی (راهبرد چهارم کلان) و تأمین و بسط عدالت در بهره‌مندی از فرصت‌های تعلیم و تربیت با کیفیت مناسب با توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های دختران و پسران و مناطق گوناگون کشور (راهکار پنجم) از جمله مواردی هستند که به‌موجب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در جلسات متعدد منعقدشده در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۰، به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹-۱۳۹۰).

یکی از مباحث جدی در بیانیه گام دوم انقلاب، که رهبر معظم انقلاب در ترسیم مسیر پیشروی ملت بزرگ ایران در چهل سال دوم برای پیشبرد انقلاب اسلامی به نگارش درآورده‌اند، عطف توجه به تولید علم و دانش، بومی‌سازی فناوری و بازآفرینی نهادهای علمی، آموزشی، تربیتی و پژوهشی بر مبنای اسناد تولیدشده‌ای همچون نقشه علمی کشور، سند تحول آموزش و پرورش، مهندسی فرهنگی و سیاست‌های کلی حوزه پژوهش و فناوری، زیست‌محیطی و اقتصاد است (محمدیان، ۱۳۹۸).

با ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، آموزش و پرورش موظف شد برای پیاده‌سازی سیاست‌های یادشده برنامه تدوین کند. ارائه خدمات آموزشی و برابر سازی دسترسی به فرصت‌های آموزشی و بهره‌مندی از آموزش از جمله راهبردهایی بوده که در اولویت قرار داده است (انصاری، ۱۳۹۵، ص ۱۵۹). در سند تطبیق برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۹۵-۱۳۹۹) با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بر سیاست‌های پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی و دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه (سیاست دوم) و همچنین به گفتمان‌سازی ابعاد اقتصاد مقاومتی در محیط‌های علمی و آموزشی و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی (سیاست بیست و یکم) تأکید شده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۹۴).

شایان ذکر است که در سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری «ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور» در سال ۱۳۹۰ و همچنین به‌موجب بند ۷۵ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی

را در چارچوب قوانین موضوعه و با رعایت اولویت‌هایی مثل «به‌کارگیری فناوری ارتباطات و اطلاعات در کلیه فرایندها جهت تحقق عدالت آموزشی و تسهیل فرایندهای موجود و ارائه برنامه‌های آموزشی و دروس دوره‌های تحصیلی به‌صورت الکترونیکی»، تدوین کند و پس از تصویب در هیئت وزیران به اجرا درآورد. وزارت آموزش و پرورش هم برابر بند «د» این ماده، موظف شده است به‌منظور تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت و نیاز مناطق - به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته - و رفع محرومیت آموزشی، در حوزه آموزش از راه دور و رسانه‌ای و تأمین هزینه‌های تغذیه، رفت‌وآمد، بهداشت و سایر امور مربوط به مدارس شبانه‌روزی اقدام کند.

در ذیل بخش سیزدهم (آموزش عمومی و آموزش عالی) قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۶، فصل چهل و سوم با عنوان «آموزش و پرورش عمومی» گنجانده شده است. مقدمه این فصل به توصیف وضع موجود آموزش و پرورش و روند تغییر شاخص‌های اصلی آن اختصاص یافته است. در ادامه آن، طی بند اول، به برنامه راهبردی آموزش و پرورش عمومی اشاره شده که در آن چهار هدف کلی ذکر شده است: ۱) تأمین و بسط عدالت در برخورداری از فرصت‌های تعلیم و تربیت؛ ۲) ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت؛ ۳) بازنگری و بازمهندسی ساختارها، رویه‌ها و روش‌ها؛ ۴) ارتقای منزلت اجتماعی و جایگاه حرفه‌ای سرمایه انسانی آموزش و پرورش با تأکید بر نقش الگویی و جایگاه معلم (سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۹۷، ص ۱۸-۱۹).

۲-۹. اسناد بالادستی

در ایران از سال ۱۳۸۴ سند چشم‌انداز بیست‌ساله، که وضعیت کشور را در عرصه‌های گوناگون در سال ۱۴۰۴ تبیین می‌کند، تدوین شد. بر این اساس، برای رسیدن به آنچه به‌منزله وضعیت مطلوب و به‌صورت کلی در این سند در عرصه‌های علمی آمده است، نقشه راهی لازم بود تا مسیر حرکت از وضعیت فعلی به وضعیت تصویرشده در سند چشم‌انداز را مشخص کند؛ بنابراین در سال ۱۳۹۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی نقشه جامع علمی کشور را تهیه کرد. در این سند، مبانی، اهداف سیاست‌ها و راهبردها، ساختارها و الزامات تحول راهبردی علم و فناوری مبتنی بر ارزش‌های اسلامی برای دستیابی به اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله کشور تدوین شده است. در مقدمه آن، مقوله علم و فناوری از مهم‌ترین زیرساخت‌های پیشرفت کشور و ابزار جدی رقابت در عرصه‌های گوناگون در نظر گرفته شده و به سه شاخصه عدالت، معنویت و عقلانیت به‌مثابه ویژگی‌های علم مدنظر در آن تأکید شده است (ایزدی و واردی، ۱۳۹۶).

سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کلان و نیز ارزیابی و نظارت

ایران مبنی بر اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بر دوران تحصیلی کودکی و نوجوانی تأکید شده است.

نتیجه‌گیری

مطابق اسناد بین‌المللی، رشد فکری، پرورش استعدادها، قوه قضاوت، حس مسئولیت اخلاقی و اجتماعی و بارآوردن کودکان و نوجوانان به‌منزله عضو مفید برای جامعه - آن‌هم تحت شرایط مساوی با دیگران - در قالب اهداف آموزش و تحصیل کودکان و نوجوانان بیان شده‌اند. ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، اصل ۷ اعلامیه جهانی حقوق کودک، ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر اسلامی و ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک، به‌ویژه در حوزه سیاست‌گذاری آموزشی کودکان و نوجوانان در سطح راهبردهای بین‌المللی تدوین شده‌اند؛ با اینکه در کنفرانس جهانی در حوزه آموزش برای همگان و اعلامیه بقا، رشد و حمایت از کودکان نیز درباره حق کودکان و نوجوانان در بهره‌مندی از تحصیل رایگان سیاست‌گذاری مجدد شده است.

در سیاست‌گذاری‌های آموزشی در سطح داخلی هم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نه‌فقط دولت را مکلف کرده است وسایل آموزش و پرورش رایگان برای همه کودکان و نوجوانان تا پایان دوره متوسطه را فراهم سازد، بلکه نقض حق تحصیلی آن‌ها برابر راهبردهای قانون حمایت از کودکان و نوجوانان جرم تلقی شده است و به‌موجب قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی، اولیای کودکان باید با استفاده از امکانات، کودکان و نوجوانان را به تحصیل علم و دانش تا پایان دوره متوسطه بگمارند و اگر والدین یا سایر سرپرستان قانونی کودکان، مانع از تحصیل فرزندان خود شوند، مستوجب مجازات خواهند بود.

در پایان در راهبردنگاری‌های قانونی شایسته و بایسته برای کودکان و نوجوانان در حوزه سیاست‌گذاری‌های آموزشی، پیشنهادهای کاربردی ذیل ضروری به نظر می‌رسد:

۱. گنجاندن حقوق کودکان و نوجوانان در سیاست‌گذاری‌های ناظر بر تدوین کتاب‌های درسی برای بالابردن سطح آشنایی آن‌ها با حقوق خود؛
۲. آشناسدن والدین با حقوق تحصیلی و آموزشی کودکان و نوجوانان از راه رسانه‌های جمعی و مراکز آموزشی ذی‌ربط؛
۳. برگزاری همه‌پرسی درباره حق تحصیل و آموزش کودکان و نوجوانان؛
۴. همکاری مردم و متصدیان و مرتبطان با کودک و نوجوان در سیاست‌گذاری‌های آموزشی، از جمله مدیر، معلم و مربی با سازمان‌های دولتی و غیردولتی حمایت‌کننده از حقوق کودک؛
۵. تلقی کردن بازداشتن کودکان و نوجوانان از آموزش و تحصیل

در حکم جرم عمومی در راهبردنگاری‌های قانونی. درباره محدودیت‌های ناظر بر تحقیق حاضر می‌توان به همکاری‌نکردن مراجع انتظامی و قضایی و در نتیجه مشکل دسترسی به آمار تعداد کودکان و نوجوانان محروم از حق تحصیل و آموزش از یک سو و ناقضان این حق بنیادین آن‌ها از سوی دیگر، برای تدوین راهبردنگاری کاربردی در سیاست‌گذاری‌های آموزشی در ایران اشاره کرد. از این رو پیشنهاد می‌شود تحقیقی میدانی بر پایه آمارهای اشاره‌شده برای پژوهش‌های آتی ارائه شود.

منابع

- اسدی‌نژاد، سیدمحمد، رستمی چلکاسری، عبدالله و مرادی، فاطمه (۱۳۹۴). «حق آموزش و تربیت کودک در قوانین ایران و اسناد حقوق بشر». فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، سال بیستم، شماره ۶۲، ص ۱۷۳-۱۹۴.
- احمدی، علی محمد (۱۳۸۰). آموزش و پرورش به‌عنوان حق مردم بر حکومت از دیدگاه حکومتی امام علی (ع)، مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (ع)، گردآورنده اعرافی، علی‌رضا و همکاران، چاپ اول، تهران: تربیت اسلامی.
- انصاری، باقر (۱۳۹۲). «حق کودک به آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر». مجله حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳۶، ص ۱۱۵-۱۴۶.
- انصاری، عبدالله (۱۳۹۵). «پیاپی‌سازی اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش؛ برنامه اقدام». فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال نوزدهم، شماره ۷۰، ص ۱۵۹-۱۸۸.
- افراسیابی، علی (۱۳۸۹). «امکان بازپذیری اجتماعی بزهکاران در بسترهای کیفری و پساکیفری موجود». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۵، ص ۳۳-۵۸.
- ایزدی، صمد و واردی، سید احمد (۱۳۹۶). «نقد نقشه جامع علمی کشور از منظر برنامه‌ریزی راهبردی». اولین کنفرانس حکمرانی و سیاست‌گذاری عمومی، قابل‌دسترسی در سایت <https://www.civilica.com>
- باهر، حسین (۱۳۷۶). «نگاهی پیرامون حقوق جهانی کودک و نوجوان». ماهنامه دادرسی، دوره ۱، شماره ۵ و ۶، ص ۵
- برترین نظام‌های آموزشی جهان/ در کجای آموزش جهان ایستاده‌ایم؟ (۱۳۹۸). قابل‌دسترسی در سایت <http://www.ion.ir/news>
- بناوت، آرون و همکاران (۲۰۱۶). مجموعه جدید گزارش پایش جهانی آموزش ۲۰۱۶ آموزش برای مردم و سیاره زمین: آفرینش آینده‌ای پایدار برای همه، ترجمه کاوه مستشاری، یونسکو.
- بیگی، جمال (۱۳۸۸). بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران، تهران: نشر میزان.
- بیگی، جمال (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی حق آموزش و تحصیل کودکان در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، مجموعه مقالات همایش ملی حقوق مدارس، تدوین و تنظیم علیرضا داداش‌زاده و سیدموسی حسینی، قم: انتشارات چشمه‌سار قم.
- بی‌نا (۱۳۷۹). حقوق بشر در جهان امروز اولیاتی برای سازمان ملل متحد.

- ترجمه مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد.
- پروین، فرهاد (۱۳۷۷). «حقوق بشر و حقوق بشر اسلامی». اطلاعات، شماره ۲۱۵۳۶.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۶۷). «آموزش کودکان و نوجوانان در آغاز تاریخ ایران». فصلنامه فرهنگ، شماره ۲ و ۳، ص ۳۸۳-۴۰۹.
- توسلی ناینی، منوچهر (۱۳۸۲). «جنگ و حقوق کودکان آواره و بی سرپرست». فصلنامه فقه و حقوق خانواده، سال هشتم، شماره ۳۲، ص ۳۷-۵۷.
- توسلی، غلامعلی (۱۳۵۱). «حق آموزش». فصلنامه حقوق بشر، شماره ۹، ص ۳۳-۳۴.
- دارایی، شهرداد (۱۳۹۵). پیشگیری از جرم در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی، تهران: نشر میزان.
- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ وزارت آموزش و پرورش و شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰-۱۳۸۹). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- دهقان، حسین (۱۳۸۳). «ارزش‌های ابرازی تحصیل به‌مثابه عاملی برای افزایش سرمایه انسانی و توسعه ملی»، فصلنامه تعلیم و تربیت. سال بیستم شماره ۲ پیاپی ۷۸، ص ۵۵-۹۳.
- دیالو، سلیمان (۱۳۷۹). «سخنرانی به مناسبت برگزاری همایش حقوق کودک». ضمیمه خلاصه سخنرانی‌های همایش حقوق کودک، تهران: ۳۰ آبان.
- رحمت‌اللهی، حسین و دانش ناری، زهرا (۱۳۹۳). «حق و آزادی آموزش و پرورش». دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم، شماره ۷، ص ۵۳-۷۰.
- زینالی، همزه (۱۳۸۲). «نوآوری‌های قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و چالش‌های فراروی آن»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۷، ص ۵۹-۹۲.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۹۴). سند تطبیق برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵-۱۳۹۹) با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات.
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۷). گزارش عملکرد قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۶، ج ۳، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات.
- سلامتی، یعقوب، اخوان فرد، مسعود و طالقانی، حسین (۱۳۹۴). «تکلیف بر رعایت حق بر آموزش در حقوق اسلامی و مقررات حقوق بشر». فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره ۴، ص ۸۹-۱۰۴.
- شاملو، باقر (۱۳۸۸). «حق بر آموزش در شریعت اسلام و اسناد بین‌المللی». خبرنامه آیین دانشگاه، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵ و ۶، ص ۷.
- علاسوند، فریبا (۱۳۹۷). «عدالت جنسیتی به‌مثابه یک مفهوم تفسیرپذیر و نامتعیین». فصلنامه مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، سال اول، شماره ۱، ص ۵۹-۷۸.
- فانی، علی‌اصغر (۱۳۷۹). «گزارش کشوری وزارت آموزش و پرورش». خلاصه سخنرانی‌های همایش حقوق کودک، تهران: ۳۰ آبان.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۹۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. تهران: نشر میزان.
- لطیفی، علی (۱۳۹۶). «بررسی محتوایی سند آموزشی ۲۰۳۰ با تأکید بر مباحث جنسیتی». نشست مواجهه با اسناد بین‌المللی در عرصه تعلیم و تربیت؛ پنل دوم. مرکز تحقیقات زن و خانواده واحد تهران.
- مبشری، اسدالله (بی‌تا). حقوق بشر. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- متین دفتری، احمد (۱۳۴۸). حقوق بشر و حمایت بین‌المللی آن. تهران: چاپخانه بهمن.
- محمدیان، محی‌الدین بهرام (۱۳۹۸). آموزش و پرورش در گام دوم انقلاب چه چرخش‌هایی نیاز دارد. قابل دسترسی در سایت <https://www.tasnimnews.com>
- مدرینا، سیدجواد (۱۳۵۳). حقوق کودک «حضانت اطفال در حقوق مدنی ایران، اسلام و فرانسه». تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مگنوسون، تریه و همکاران (۲۰۱۰). فشرده مجموعه اسناد ملی و بین‌المللی در زمینه تعلیم و تربیه در افغانستان، ترجمه سیدوحید دادگر (بنیاد خرد)، کابل: یونسکو کابل.
- مستقیم، مهدیه سادات (۱۳۸۰). «رویکردی تطبیقی به خاستگاه‌های فلسفی مسائل اجتماعی زنان در اسلام و فمینیسم؛ نگاه اسلام به آموزش و تحصیل زنان». فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۱، ص ۴۸-۶۹.
- مشعلی، بهزاد، شبانی، حسن، حاجیان، ابراهیم و قنبری، علی‌اله (۱۳۹۷). «خاستگاه آینده‌نگاری و جایگاه آن در سیاست‌گذاری بخش عمومی». فصلنامه آینده‌پژوهی مدیریت، سال بیست و نهم، شماره ۱۱۵، ص ۱۱۹-۱۳۶.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، بزهداری (۱۳۷۷). «احساس ناامنی و کنترل، بررسی کمیته فرانسوی مطالعات پیرامون خشونت و بزهداری و توصیه‌های آن در زمینه سیاست جنایی». فصلنامه حقوقی دادگستری، شماره ۲۲، ص ۴۳-۸۴.
- نوظهوری، رامین (۱۳۸۸). «آسیب‌شناسی آموزش فراگیر در آموزش و پرورش». فصلنامه تعلیم و تربیت استثنایی، سال هفتم، شماره ۹۷، ص ۷۴-۸۰.
- نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۴). «حق زندانیان بر تحصیل در قلمرو سیاست جنایی تقنینی سازمان ملل متحد و ایران». فصلنامه اندیشه‌های حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، ص ۱۹-۳۴.
- نیاورانی، صابر (۱۳۸۹). «منزلت حق بر آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر». فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۱۳، شماره ۱۴۴، ص ۳۳۳-۳۸۱.
- نیک‌اندیش، رضا (۱۳۹۸). «تجربیات آموزش و پرورش شهر شانگهای در سال ۲۰۱۶». قابل دسترسی در سایت <http://www.sedayemoallem.ir>
- Cairo Declaration on Human Rights in Islam (1990). Available at: <http://hrlibrary.umn.edu/instreet/cairodeclaration.html>
- Convention against Discrimination in Education

- (1960). Available at: http://portal.unesco.org/en/ev.phpURL_ID=12949&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html
- Convention on the Rights of the Child (1989). Available at: <http://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/CRC.aspx>
- Dakar Framework for Action, Education for All: Meeting Our Collective Commitments (2000). Available at: <https://resourcecentre.savethechildren.net/library>
- Declaration of the Rights of the Child (1959). Available at: <http://www.ohchr.org/EN/Issues/Education/Training/Compilation/Pages.aspx>
- Development Assistance Committee (2011). Available at: <http://www.oecd.org/development/developmentassistancecommitteedac.htm>
- Haddad, W., Colletta, N., Fisher, N., Lakin, M. and Rinaldi, R. (1990). *Final Report World Conference on Education for All: Meeting Basic Learning Needs*, 5-9 March 1990 Jomtien, Thailand, Published by the Inter-Agency Commission (UNDO, UNESCO, UNICEF, WORLD BANK) for the World Conference on Education for All, First Printing: May 1990. <http://www.unwomen.org>. <https://en.unesco.org>.
- Implementation hand book convention on the right of the child (1988). Geneva gannury.
- International Conference on Human Rights (Tehran Declaration) (1968). Available at: <http://www.unfpa.org/events/international-conference-human-rights>
- International Conference on Primary Health Care, Alma-Ata, USSR, 6-12 September (1978). Available at: <http://apps.who.int/medicinedocs/en/m/abstract/Js21369en>
- International Covenant on Economic, Social & Cultural Rights, G.A. res. 2200A (XXI), 21 U.N. GAOR Supp. (No. 16) at 49, U.N. Doc. A/6316 (1966). 993 U.N.T.S. 3, entered into force Jan. 3, 1976.
- Lepi, K. (2014). *The Top 10 Education Systems in the World*, Edudemic.
- Lombardo, E. (2005). "Integrating or Setting the Agenda? Gender Mainstreaming in the European Constitution-Making Process", *Social Politics Journal*, 12(3), pp. 412-432.
- Promoting Equality of Educational Opportunity, Canada Report for the UNESCO Eighth Consultation of Member States on the Implementation of the Convention and Recommendation against Discrimination in Education (2012). *Council of Ministers of Education*, Canada
- Ssenyonjo, M. (2009). *Economic, Social and Cultural Rights in International Law*, Hart Publishing.
- The Salamanca Statement and Framework for Action on Special Needs Education (1994). Available at: <http://www.right-to-education.org/resource/salamanca-statement-and-framework-action-special-needs-education>
- Universal Declaration of Human Rights (1948). Available at: <http://www.un.org/en/universal-declaration-human-rights>
- Verheyde (Eds.) (2006). a Commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child, Martinus Nijhoff Publishers, Leiden.
- World Declaration of Education for All & Framework for Action to Meet Basic Learning Needs (1994). Jomtien, Thailand 5-9 March 1990, Published by UNESCO for the Secretariat of the International Consultative Forum on Education for All, 7, place de Fontenoy 75352 PARIS 07 SP, Third printing: Paris, September.
- World Declaration on the Survival, Protection and Development of Children (1990). Available at: <https://www.unicef.org/wsc/declare.htm>
- World Program of Action for Youth to the Year 2000 and beyond (1995). United Nations, general assembly, A/50/728.
- World Summit for Social Development, Copenhagen (1995). Available at: <http://enb.iisd.org/wssd95.html>
- Zermatten, J. (2010). "The Best Interests of the Child Literal Analysis, Function and Implementation, Working Report". Available at: <http://www.childsrights.org>.

Legal Strategy for Children and Teenagers in Educational Policy Making

Jamal Beigi¹

Abstract

Education and Learning is a right available to children and teenagers to have a good realization at their rights. By education children can go beyond the poverty culture and by acquiring skills could get the spiritual values, have a fortunate life. The purpose of this paper is identifying of this right of children and teenagers in the strategy of international documents and regulations of Iran. The current paper is using description-analytic method as well as digital-library sources. One of the fundamental human rights of policy makers, education and learning of children and teenagers, so that by exercising this right, they can re-enact socially and accept responsibilities, be effective citizens in the development of national and international societies. Educational rights of children and teenagers, in Convention against Discrimination in Education and World Conference on Education for All has been identified. But in the Feasibilities of Education & Supporting Law of Children and Teenagers and Act for the Protection of Children & Teenagers, is guaranteed by incomplete strategies.

Keywords: Legal Strategy, Child, Teenager, Educational Policy Making, International Documents, Iran Regulations.

1. Associate Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran, jamalbeigi@iauh.ac.ir